



مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی

رساله دکتری

رشته: حقوق

گرایش: جزا و جرم شناسی

امکان سنجی تحول در شیوه اجرای مجازات‌های

سالب حیات منصوص شرعی

استاد راهنما: آیت الله جواد حبیبی تبار

استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین دکتر عادل ساریخانی

دانش پژوه

محمد مهدی هاشمی‌لو

کد تحصیلی

1181978

خرداد ماه

1400 سال



حمو شناء و تقدير و تشكر

حمو و پاس، ذات پاك خداوند عالمان را كه توفيقش همواره و در همه دوران ها مخصوصاً در مراحل تدوين اين رساله

بهر اعم بود.

بهترين و خالصانه ترين درودها بر افضل انبياء و برترين رسولانش، حضرت ختمي مرتبت محمد مصطفي صلي الله عليه

و آله و سلم و اهل بيت معصوم و طاہرنيش عليم السلام مخصوصاً بر راحت مقدس قطب دائره امکان و منجي عالم

بشريت حضرت بقيه الله الاعظم عج الله تعالى فرجه الشريف كه تدوين اين رساله، مر باصفاات ناب و لوازم

و جودي شان اشتر كرد.

مراتب پاس و تشكر و تقدير خود را از زحمات استاد محترم راهما آيت الله حبيبي تبار و استاد محترم مشاور حضرت

حجت الاسلام والمسلمين دكتور ساري خاني كه با صبر و حوصله بنده را در همه مراحل اين رساله اعم از انتخاب موضوع و طرح

نامه و روند تدوين اين رساله ارشاد و گلك كردند، دارم.

اهدایا تقدیم

تقدیم به حقیقت نورانی پیشین عالم صلی الله علیه وآله وسلم که عظمتش پیش و پس جهان آفرینش رافرا گرفته است، اولین صادی که اول و آخر هر کالی است. پیامبر رحمتی که رحمتش همه هستی رافرا گرفته و مدال رحمه للعالمین را از خداوند سبحان دریافت کرده است؛ و تقدیم به وصی و جانشین برحق آن حضرت، سید الاوصیا، امیر المؤمنین، یعقوب الدین، علی بن ایطالب علیه السلام که جان پینمبر بود و تقدیم به بهانه آفرینش، عصاره حدیث لولاک، کوثر الهی، بنت نبی، زوجه الولی، ام الائمه، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که محور اهل بیت و مصدر امامت و ولایت می باشد و تقدیم به تک تک اولاد معصومش علیم السلام که هر یک خورشید تلمان آسمان امامت و هدایت و رهبری جامعه هستند، آن انسان های معصوم و کامل و مخلوقات اولین که در آفرینش و بقاء عالم نقش خانی و فاعلی شان مؤید عقل و نقل است.

مخصوصاً تقدیم بر جان عالم، بقیه الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) آن یار سفر کرده که عالمی منظر ظهور و حاکمیت الهی اش می باشد تا در پرتو نورش و دوران حکومت و دولت کریمه اش به اهداف عالی معرفت الهی و قرب

پروودگار متعال، رهنمون شوند.

چکیده

موضوع مجازات‌های سالب حیات از موضوعات مهم و بحث برانگیز در طول تاریخ و به‌ویژه در دو‌یست سال اخیر بوده است. در شریعت در برخی موارد اجرای مجازات سالب حیات به وسیله شمشیر پیش‌بینی گردیده است، اما در برخی موارد، به‌ویژه در حدود، شیوه‌های متنوعی پیش‌بینی گردیده است. این شیوه‌ها با دو اشکالی که غالباً از سوی مجامع به اصطلاح حقوق بشری مطرح می‌شوند مواجه‌اند؛ نخست این‌که بسیار خشن و غیر انسانی هستند و موجب درد و رنج بیهوده محکوم می‌گردند، دوم این‌که بسیار خوار کننده‌اند و با کرامت ذاتی انسان "و لو انسان محکوم به اعدام" سازگاری ندارند؛ بنابراین، باید یا مجازات اعدام کلاً ممنوع شود یا به شیوه‌هایی اجرا شود که کمترین درد و رنج و کمترین خشونت را داشته باشد. پذیرش تغییر شیوه مجازات اعدام در موارد یاد شده با این اشکال مواجه است که چون منصوص است، یعنی شریعت نسبت به آن‌ها بیان صریح دارد قابل تغییر نیستند و نمی‌توان به جای آن‌ها از شیوه‌های نوینی چون تزریق مواد کشنده یا صندلی برقی استفاده کرد. در این رساله هر دو موضوع مورد بحث قرار گرفته است، یعنی هم ادعای خشن بودن و غیرانسانی بودن مجازات‌های یاد شده و هم ادعای منصوص بودن و غیر قابل تغییر بودن آن. مدعای رساله این است که به جز موارد بسیار نادر، در غالب موارد امکان تبدیل شیوه‌های اجرای مجازات اعدام وجود دارد و این مسئله اختصاص به قصاص و تعزیرات نداشته حتی شامل حدود هم می‌شود. از سوی دیگر، حتی اگر تبدیل هم نشود دلیل علمی وجود ندارد که شیوه‌های مطرح شده در شریعت "به‌ویژه شمشیر" نسبت به شیوه‌هایی که امروزه پیشنهاد می‌گردد از درد و رنج و خوارکنندگی کمتری برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: مجازات سالب حیات، رجم، قتل، به‌دار آویختن، تحول شیوه اجرای

مجازات

فهرست مطالب

ا	چکیده.....
1	بیان مسئله.....
3	سؤال اصلی.....
4	سوالات فرعی.....
4	پیشینه‌ی تحقیق.....
6	ضرورت انجام تحقیق.....
6	فرضیه تحقیق.....
6	اهداف.....
6	نظریه‌پردازی یا نوآوری.....
6	قلمرو تحقیق.....
8	فصل اول: مفاهیم و کلیات.....
8	مبحث اول: مفاهیم.....
8	گفتار اول: منصوص شرعی.....
8	1. منصوص.....
10	2. شرعی.....
10	3. منصوص شرعی.....
11	گفتار دوم: تحول‌پذیری.....
11	گفتار سوم: مجازات سائب حیات.....
11	گفتار چهارم: مفاهیم مرتبط.....
12	بند اول: حد و تعزیر.....
13	بند دوم: موضوعیت و طریقت.....
15	بند سوم: حکم اولی و ثانوی.....
16	بند چهارم: حکم ولایی (حکومتی).....
17	مبحث دوم: کلیات.....
18	گفتار اول: دلایلت مخالفان و موافقان مجازات‌های سائب حیات.....
18	بند اول: دلایل مخالفان مجازات‌های سائب حیات.....
18	1. ناقض حق اولیه بشر.....
19	2. ناکارآمدی مجازات اعدام.....
21	3. قابل جبران نبودن اعدام.....
22	4. آثار زیان‌بار اعدام بر روحیه مردم.....
23	بند دوم: دلایل موافقان مجازات‌های سائب حیات.....
23	الف) استدلال‌های دینی.....
23	1. استحقاق.....

2. تطهیر مجرم..... 24
- ب) استدلال‌های فرا دینی..... 25
1. بازدارندگی مجازات اعدام..... 25
2. ناتوان سازی..... 25
3. تضمین اجرای عدالت..... 26
4. جلوگیری از هزینه‌های زندان..... 26
- گفتار دوم: پیشینه اجرای مجازات‌های سالب حیات..... 26**
- بند اول: شیوه های قدیمی اجرای مجازات اعدام..... 27**
1. خرد کردن سر با سنگ..... 27
2. کندن پوست..... 27
3. چهار میخ، سنگسار، دار زدن و زهر دادن..... 28
4. دو کرجی..... 28
5. شمع آجین کردن..... 28
6. کشیدن بوسیله شتران..... 29
7. منته کردن..... 29
8. سوراخ کردن پا و آویزان بر درخت..... 29
9. غرق کردن در آب..... 30
10. سوزاندن با آتش..... 30
11. سنگسار..... 30
12. بیرون کشیدن زبان از پشت گردن..... 31
13. گاو برنجی..... 31
14. پرچه اسپانیایی..... 31
15. گهواره یهودا..... 32
16. ارّه..... 33
17. گیوتین..... 33
- بند دوم: شیوه‌های نوین مجازات اعدام..... 33**
1. گیوتین..... 33
2. صندلی الکتریکی..... 34
3. اتاق گاز..... 35
4. قتل از طریق تزریق..... 36
- فصل دوم: مبانی نظری امکان‌سنجی تحول در شیوه اجرای مجازات‌های سالب حیات منصوص شرعی..... 38**
- مبحث اول: ادله جاودانگی همه احکام شریعت و نقد آن‌ها..... 39**
- گفتار اول: اجماع..... 40**
- گفتار دوم: روایات اشتراک در حکم..... 42**
1. روایت زراره از امام صادق (علیه السلام)..... 43
2. روایت ابی عمر زبیری..... 47
- گفتار سوم: اطلاق مقامی..... 48**

49	گفتار چهارم: جعل احکام به صورت قضیه حقیقه
51	گفتار پنجم: استصحاب
53	مبحث دوم: معیارهای تشخیص احکام ثابت از احکام متغیر
53	گفتار اول: تغیر احکام ناشی از شأن حکومتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهمالسلام)
55	1. حکم نسبت به امور ذاتاً متغیر
59	2. احکام مربوط به امر سیاسی
60	گفتار دوم: تغیر احکام عرضی دین
61	1. عدم وابستگی حکم به زمان و مکان خاص
62	نقد و بررسی و بررسی نشانه اول
62	1.2. عدم کار آیی نشانه
63	1.2. فاقد دلیل بودن نشانه
66	2. تأمین کردن اهداف اصلی دین
69	2.1. نقد و بررسی نشانه دوم
72	گفتار سوم: ثبات احکام تأسیسی و تغیر احکام امضائی
73	1. تأسیسی به معنای سابقه نداشتن موضوع حکم قبل از شریعت
73	2. تأسیسی به معنای برخورداری از ماهیت عرفی
74	1. تأیید فهم عرف از موضوع و ملاک در احکام امضائی
76	2. لغویت دخالت تعبدی شارع در احکام امضائی و عدم امکان احراز دخالت از شأن شاریعت
77	3. نقد و بررسی معیار سوم
82	فصل سوم: موضوعیت و طریقت مصادیق منصوص مجازات‌های سالب حیات
82	مبحث اول: موضوعیت و طریقت مصادیق منصوص مجازات‌های سالب حیات در حدود
83	گفتار اول: موارد مجازات‌های حدّی سالب حیات
85	1. رجم
86	2. قتل با گردن زدن، آتش زدن، انداختن از بلندی یا خراب کردن دیوار
86	3. قتل همراه با صلب، یا قتل همراه با قطع دست
86	4. قتل بدون تعیین شیوه آن
88	گفتار دوم: ادله موضوعیت داشتن شیوه‌های مجازات‌های سالب حیات حدّی و نقد آن‌ها
88	بند اول: استدلال به ادله عمومی حدود
90	1. منشأ تعریف حدّ در کلمات فقها
96	2. ردّ پای تعریف حدّ در آیات و روایات
96	2.1. حدّ در آیات قرآن
100	2.2. حدود در روایات
109	3. استدلال به ویژگی‌های حدود
109	3.1. عدم امکان عفو مجازات حدّی
111	3.2. عدم امکان شفاعت و کفالت در حدود
113	4. نقد استدلال به ویژگی‌های حدود

123	5. استدلال به روایات تعزیر
125	بند دوم: استدلال به ادله خاصه حدود
125	1. رجم
127	2. آتش زدن، انداختن از بلندی و خراب کردن دیوار
136	3. مجازات محارب (قتل، صلب و قطع)
136	3.1. معنای جنگ با خدا و رسول
140	3.2. اختلاف در کیفیت اجرای مجازات
144	4. قتل بدون تعیین شیوه خاص
144	4.1. موارد قتل در زنا (زنا با محارم، زنی با زن مسلمان، با عنف)
148	4.2. سائب النبی
148	4.3. ارتداد
150	4.4. ساحر
151	مبحث دوم: موضوعیت و طریقت مصادیق منصوص مجازات‌های سالب حیات در قصاص
153	گفتار اول: انحصار شیوه قصاص در شمشیر به شیوه گردن زدن
160	گفتار دوم: جواز قصاص با مطلق آهن برنده
163	گفتار سوم: جواز قصاص با هر وسیله‌ای که جنایت با آن صورت گرفته است، یا مشابه آن
167	گفتار چهارم: جواز قصاص با هر وسیله‌ای که قتل با آن صورت گرفته، مشروط به مباح بودن
168	گفتار پنجم: جواز قصاص با هر وسیله‌ای که آسان‌تر باشد
173	نتیجه
174	فصل چهارم: امکان سنجی تحول در شیوه‌های مجازات سالب حیات بر اساس حکم ثانوی و حکومتی
175	مبحث اول: امکان سنجی تحول در شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات بر اساس احکام ثانوی
175	گفتار اول: چیستی و موارد احکام ثانوی
177	گفتار دوم: تطبیق حکم ثانوی بر شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات
178	1. استفاده ایزاری از حقوق بشر
184	2. استفاده تبلیغاتی بر علیه دین
188	مبحث دوم: امکان سنجی تحول در شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات بر اساس احکام حکومتی
188	گفتار اول: چیستی حکم حکومتی
193	گفتار دوم: تطبیق حکم حکومتی بر شیوه‌های منصوص مجازات سالب حیات
197	نتیجه‌گیری
200	فهرست منابع

بیان مسئله

یکی از مجازات‌هایی که در اسلام برای برخی از جرم‌ها مقرر گردیده است سلب حیات از مجرم است که با روش‌های مختلفی چون جدا کردن سر با شمشیر، سوزاندن در آتش، پرتاب کردن از کوه، زیر آوار کردن، رجم کردن، به صلیب کشیدن و امثال این شیوه‌ها اجرا می‌گردد. بسیاری از این شیوه‌ها در گذشته نیز سابقه داشته و دین اسلام مبتکر آن‌ها نیست، اما دو اتفاق در شریعت رخ داده است که در جوامع پیش از اسلام بی سابقه است؛ نخست محدود کردن بسیاری از این شیوه‌ها به جرائم بسیار خاص که بعضاً شرایط اثبات آن‌ها نیز دشوار است. مثلاً جرم رجم تنها در خصوص زنای محصنه تشریح گردیده است که شرایط اثبات آن نیز بسیار دشوار است. علاوه بر این، در طول تاریخ، به‌ویژه در عصر معصومین (علیه‌السلام) موارد اجرای آن نیز چنان اندک است که قابل ذکر نیست. در عصر حاکمیت برخی از فقهاء نیز تمایلی به اجرای آن کم بوده است. مجازات آتش زدن، از کوه پرتاب کردن و زیر آوار کردن نیز ویژه جرم لواط است که جرم شنیع محسوب می‌شود و بازهم مانند مورد زنا اصل اولی شریعت بر کتمان آن قرار دارد. به صلیب کشیدن نیز تنها در جرم محارب به‌عنوان یکی از گزینه‌ها مطرح است. غالب مواردی که شریعت مجازات سالب حیات معین کرده است، شیوه آن اعدام با شمشیر است.

اتفاق دومی که رخ داده است رعایت حداکثر رأفت در اجرای این مجازات است و تلاش گردیده است این مجازات در انسانی‌ترین شکل ممکن صورت گیرد. به همین دلیل مثلاً مثله کردن معدوم یا بازی کردن با او را به شدت منع و برای مرتکب آن مجازات قرار داده است. این در حالی است که در جوامع پیش از اسلام، به‌ویژه در جاهلیت عربی موارد مجازات اعدام بدون هیچ ضابطه و کاملاً تابع میل حاکمان قرار داشت و در خصوص شیوه‌های اعدام نیز خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین شیوه‌ها انتخاب و اجرا می‌گردید.

با این وجود، در ادوار متأخر و با مطرح شدن مباحث حقوق بشری هم اصل مجازات

اعدام و هم شیوه‌های آن مورد با اشکالاتی مواجه گردیده و تلاش شده است از مجرای این اشکالات بر اصل مکتب اسلام نیز هجمه صورت گیرد و چنین وانمود گردد که اسلام دین خشونت و وحشت است. شیوع رسانه‌های تصویری نیز به این انگاره دامن زده است، چون معاندان با برجسته‌سازی چند تصویر از مراسم رجم یا اعدام با شمشیر که بعضاً به وسیله گروه‌های افراطی و صرفاً به نام دین صورت می‌گیرد، سعی کرده‌اند بهانه‌ای برای مخدوش سازی چهره دین تدارک ببینند.

فارغ از نیت این معاندان، اصل این پرسش که آیا شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات در اسلام بخشی جدای ناپذیر دین بوده غیرقابل تغییر است یا امکان تغییر آن وجود دارد، سؤال اساسی و قابل تأمل است. چون در این نکته تردیدی وجود ندارد که میان زمان تشریح این شیوه‌ها و شرایط فعلی فاصله زمانی بسیاری وجود دارد و در این میان اموری در اختیار بشر قرار گرفته است که در گذشته وجود نداشته است. به عنوان مثال اعدام با استفاده از گلوله، تزریق سم یا صندلی برقی در گذشته اصولاً وجود نداشت و امروزه نه تنها مطرح گردیده که از آن به عنوان شیوه‌های راحت‌تر و در عین حال کمتر خشن دفاع صورت می‌گیرد. این پرسش که آیا اسلام این شیوه‌ها را کاملاً مردود دانسته بر همان شیوه‌های سنتی تأکید دارد یا امکان اجرای مجازات سالب حیات در این قالب‌ها نیز وجود دارد سؤال اساسی و به جایی است که شایسته است مورد تأمل قرار گیرد.

در این رساله سعی گردیده به این پرسش پاسخ داده شود. در کنار آن تلاش نموده است پا را فراتر گذاشته این فرضیه را مورد بررسی قرار دهد که آیا امکان نفی کامل هرگونه خصوصیت برای هر وسیله‌ای که تاکنون در فقه مطرح بوده است وجود دارد یا خیر؟

برای رسیدن به پاسخ سؤال به ناگزیر دو امر باید مورد تحقیق قرار گیرد، اما برای این رساله جنبه اصول موضوعی دارد و از این جهت به صورت گذرا مطرح می‌شود:

نخست اصل جاودانگی احکام شریعت و حدود و ثغور آن. این مطلب باید ثابت شود که

همه احکام اسلام جاودانه نیستند و دست کم برخی از احکام موقتی و موسمی جعل شده‌اند و لذا تغییر آن‌ها مخالفت با شریعت محسوب نمی‌شود. این مطلب از آن جهت اهمیت دارد که اگر اصل جاودانگی احکام شریعت به عنوان یک اصل موضوعی و مسلم فرض شود و دامنه آن تمام احکام را شامل گردد، امکان بحث از تحول در شیوه‌های اجرای مجازات‌های منصوص سالب حیات بوجود نخواهد آمد. چون بی‌درنگ با این «انگ» مواجه خواهد شد که استنباط صورت گرفته منافق با جاودانگی احکام شریعت است. اما طرح این مطلب به صورت مبسوط از حوصله این رساله خارج است، چون اصل معیارهای جاودانگی و تغییرپذیری احکام خود بحث مفصلی است که نیاز به تدوین چندین جلد کتاب دارد؛ بنابراین، آنچه در این رساله مطرح خواهد شد صرفاً به منظور روشن شدن مبنای بحث و تعیین فرض بحث است.

مطلب دومی که بازهم جنبه مقدماتی دارد ولی چاره‌ای جز طرح آن نیست، مقایسه شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات در اسلام و پیش از اسلام است. این بحث بدان دلیل ضرورت دارد که روشن شود با آمدن مکتب اسلام چه تحول عظیمی در شیوه‌های اجرای مجازات سالب حیات رخ داده و تا چه اندازه روح انسانی در قالب احکام شریعت حضور دارد. غیبت این بحث ما را در یک خلاء اطلاعات از جایگاه تاریخی شیوه‌های اعدام در اسلام قرار می‌دهد، اما روشن است که هدف اصلی رساله نیست و ما در مقام بیان تاریخ اعدام نیستیم؛ بنابراین، به اختصار و به ناگزیر باید تاریخچه این مجازات مورد بررسی قرار گیرد.

با مطالبی که گفته شد، این رساله به صورت مشخص به یک سؤال اصلی و چند سؤال فرعی پاسخ خواهد داد:

سؤال اصلی

شیوه اجرای مجازات سالب حیات منصوص در چه موارد و تا چه میزان قابل تبدیل به

شیوه‌های نوین است؟

سؤالات فرعی

1. مقصود از واژه‌های: مجازات سالب حیات، رجم، منصوص شرعی چیست؟
2. مجازات‌های سالب حیات منصوص شرعی و نوین کدامند؟
3. ادله تحول در شیوه اجرای مجازات‌های سالب حیات در موارد امکان تحول کدامند؟
4. ادله عدم امکان تغییر و تحول در شیوه مجازات‌های سالب حیات کدامند؟
5. آثار تحول در شیوه اجرای مجازات‌های سالب حیات چیست؟

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیق حاضر در حد مبانی از پیشینه نسبتاً خوبی برخوردار است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. حسنعلی علی اکبریان، معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات.
 2. ابوالقاسم علیدوست، فقه و مصلحت.
 3. محمد امین احمدی، انتظار بشر از دین.
 4. مرضیه دادیان، اجرای حدود در عصر غیبت - بررسی تطبیقی دیدگاه صاحب جواهر، شیخ انصاری و امام خمینی.
 5. سید محمدباقر شفتی گیلانی، مقالة فی تحقیق إقامة الحدود فی هذه الأعصار.
 6. محمدجواد فاضل موحدی لنکرانی، مشروعیت اجرای حدود اسلامی در زمان غیبت.
 7. رضا مسعودی‌فر، نحوه اجرای احکام حدود بر مبنای تحلیل رویه‌های عملی.
 8. حسینعلی منتظری، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر.
 9. سید محمود هاشمی شاهرودی، کاوشی درباره اختیار ولی امر در عفو کیفر.
- وجه مشترک این کتاب‌ها و نیز کتاب‌های دیگری که در این زمینه در سه دهه گذشته نوشته شده‌اند پاسخ به سؤال از جاودانگی احکام اسلام و تعیین حدود و ثغور آن می‌باشد. اما

اصل این مطلب که آیا امکان تغییر شیوه‌های اجرای مجازات‌های منصوص سالب حیات وجود دارد یا خیر، در حد تتبع این قلم، پیشینه‌ی بسیار کمی دارد. تنها در خلال برخی فتاوی فقیهان متأخر آن‌هم در خصوص مجازات قصاص گفته شده است که اگر طریق آسان‌تری وجود داشته باشد می‌توان از اعدام با شمشیر عدول کرد. اما این مطلب که مثلاً رجم را می‌توان به صورت دار زدن یا مجازات لواط را به صورت دیگری اجرا کرد، تحقیقی صورت نگرفته است یا نویسنده بر آن دست نیافت.

تنها در برخی از مکتوبات پیش گفته مطالبی به صورت پراکنده در خصوص موضوع آمده است، اما به صورت مبسوط مورد بحث قرار نگرفته است. در این میان تنها یک مقاله و یک پایان نامه تقریباً نزدیک به موضوع یافت شد که اولی به وسیله دکتر سید محمد رضا موسوی فرد و دکتر سجاد اختری و ندا باقری، به همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران در سال 1379 ارائه گردیده است. عنوان آن مقاله «بازنگری در شیوه اجرای مجازات‌های سالب حیات از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری ایران است» اما نویسندگان به صورت بسیار کلی و اجمالی به مسئله پرداخته و از طرح برخی نظریات فراتر نرفته‌اند.

دومی نیز پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «چگونگی اجرای مجازات سالب حیات با تأکید بر طریقت یا موضوع آن در فقه و قوانین جزایی و حقوق بشری» است و به وسیله آقای محمد علی رواستان در سال 1391 دفاع گردیده است. این پایان نامه نیز تنها اشارات بسیار اجمالی و بدون اینکه وارد بحث تک تک جرایم، به‌ویژه جرائم حدی بشود، به موضوع دارد و چنانکه از عنوان نیز پیداست، بیشتر مباحث آن به مقررات قانونی و نیز مباحث حقوق بشری اختصاص یافته است.

دریغ است اگر از پایان نامه «کرامت انسان و اعدام‌های تعزیر در حقوق افغانستان» که با راهنمای استاد دکتر عادل ساریخانی و به وسیله طلبه محترم شاه ولی اصغری نگارش یافته است، یاد نکنیم. این پایان نامه نیز در خصوص مباحث این رساله که مطالعه جزء به جزء مجازات‌های سالب حیات

(به ویژه حدود) است ورودی نکرده و بیشتر مباحث آن پیرامون کرامت انسان می‌باشد.

ضرورت انجام تحقیق

با توجه به همجه‌هایی که علیه اسلام و کیفیت اجرای مجازات‌ها از سوی غربی‌ها در جریان است لازم است پژوهشی در خصوص مجازات سالب حیات و امکان جایگزینی شیوه‌های منصوص، به عمل آید.

فرضیه تحقیق

شارع مقدس نسبت به بعضی از عقوبت‌ها نحوه خاصی برای سلب حیات از مجرم در نظر گرفته است لکن در بسیاری از موارد فقط اعدام مجرم را می‌خواهد لذا می‌توان در این موارد با رعایت مصالح اجتماعی و احکام ولایی راه‌های جدید سالب حیات را جایگزین کرد.

اهداف

1. بررسی امکان جایگزینی شیوه‌های جدید 2. پاسخ به شبهات مطرح در این زمینه 3.
- نشان دادن پویایی اسلام و به‌روز بودن آن

نظریه‌پردازی یا نوآوری

با توجه به فرضیه فوق؛ نوآوری این تحقیق آن است که درصدد بررسی جایگزینی شیوه‌های جدید سالب حیات و ارائه راهکاری منطبق با شرایط و اوضاع و احوال می‌باشد.

قلمرو تحقیق

از جهت زمانی و مکانی محدودیتی ندارد و از جهت موضوعی در اجرای مجازات‌ها آن‌هم در مورد روش اعدام مجرم بحث می‌کند.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

فصل اول: مفاهیم و کلیات

این فصل به مباحثی اختصاص دارد که غرض اصلی رساله نیست، اما برای ورود به بحث گریزی از ذکر آن‌ها نمی‌باشد. این فصل شامل دو مبحث می‌شود که مبحث اول آن به توضیح مفاهیم و مفردات به‌کاررفته در عنوان رساله اختصاص دارد و مبحث دوم آن به مباحث کلی و بنیادینی که ذکر آن‌ها پیش از ورود به اصل مباحث رساله به روشن شدن جوانب رساله کمک می‌کند.

مبحث اول: مفاهیم

در هر تحقیقی مفاهیمی به کار می‌رود که ممکن است منحصر به فرد باشد و در سایر موارد توضیح مناسبی برای آن نتوان یافت. لغات به کار گرفته شده برای توضیح آن مفاهیم گاهی دو پهلو و مبهم است و لذا محقق ناگزیر است پیش از ورود به بحث تکلیف خود با آن مفاهیم را روشن نماید. در تحقیق پیش رو نیز مفاهیمی وجود دارد که باید توضیح داده شوند. از میان مفاهیم به کار رفته در عنوان رساله، مفاهیم «منصوص شرعی»، «تحول» و «مجازات سالب حیات» نیازمند توضیح‌اند.

گفتار اول: منصوص شرعی

ترکیب «منصوص شرعی» از دو واژه «منصوص» و «شرعی» تشکیل یافته است که هر دو کلمه جزء کلمات کمابیش لغزنده و دو پهلو هستند. لذا ابتدا لازم است این دو واژه به صورت انفرادی مورد بحث قرار گیرند و سپس حالت ترکیبی آن‌ها توضیح داده شود.

1. منصوص

منصوص از ریشه «نص» و در اصل به معنا مکان مرتفع و بالاتر از سایر مکان‌ها به کار

می‌رود، به همین دلیل به مکانی که عروس بر آن می‌نشیند "منصه" می‌گویند.¹ به معنای نهایت یک شیء نیز به کار می‌رود و لذا به زنی که به نهایت رشدش رسیده و پس از آن وارد سنّ بزرگ‌سالی می‌شود گفته می‌شود: «بلغ نصّ الحقائق».² یعنی به نهایت عقل و فراست رسید؛ به گونه‌ای که می‌تواند از خودش در برابر استدلال خصم دفاع کند.³ برخی از اصحاب لغت «نصّ الحدیث» را به معنای نسبت دادن سخن به کسی به کار برده‌اند.⁴

در اصطلاح علم اصول «نص» در مقابل «ظاهر» به کار می‌رود و مراد از آن دلالت لفظی است که بر اساس موازین لغت و شیوه بیان مدلول دیگری نداشته باشد.⁵ برخی دیگر نیز گفته‌اند: نص لفظی است که دلالت آن بر معنای خودش واضح باشد.⁶ یا لفظی است که دلالت آن قطعی باشد.⁷ معنای مقابل این کلمه، یعنی واژه «ظاهر» بدین معناست که لفظ بر بیش از یک معنا دلالت دارد اما دلالتش بر یکی از معانی بیشتر است،⁸ یا معنایی که از میان چند معنای محتمل زودتر به ذهن شنونده می‌آید.⁹

نص در اصطلاح فقها معنای دیگری هم دارد و آن عبارت است از «قرآن و سنّت».¹⁰ در این معنا، نص وصف دلیل حکم شرعی قرار می‌گیرد و ادله احکام شرعی بر دو دسته تقسیم

1. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 7، ص: 86.
2. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج 8، ص: 91.
3. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 7، ص: 98.
4. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 5، ص: 356.
5. محمد حسینی، الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول؛ ص 293.
6. حسن خالد رمضان، معجم أصول الفقه؛ ص 311.
7. هلال هیثم، معجم مصطلح الأصول، ص: 337.
8. محمد حسینی، الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول، ص: 213.
9. محمود حامد عثمان، القاموس المبین فی اصطلاحات الأصولیین، ص: 200.
10. محمود عبد الرحمن، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة، ج 3، ص: 420.

می‌شوند: ادله لفظی و ادله لُبی. از دلیل لفظی که معمولاً در قالب کتاب و سنت دسته‌بندی می‌شوند، به «نص» تعبیر می‌شود، اما از دلیلی که بر پایه تحلیل عقلی یا اجماع و امثال این موارد استوار باشد، به «ادله لُبیة» تعبیر می‌شود. به عنوان مثال صاحب حدائق در موارد متعدد از تعبیر «النصوص الشرعية» در برابر دلیل عقل یا اجماع استفاده می‌کند.¹

2. شرعی

شرعی از ریشه «شَرَع» گرفته شده و در لغت به معنای رسیدن به آب به کار رفته است.² به همین دلیل شریعه و مشرعه به معنای مکانی در کنار نهر یا دریاست که مردم از آن به نهر راه دارند و آب برمی‌دارند.³ در استعمالات گاه به معنای «راه بزرگ» نیز به کار می‌رود.⁴ بعضی اصحاب لغت شرع را به معنای چیزی معنا کرده‌اند که مسیرش باز باشد، لذا به آبراهی که از آنجا برداشته می‌شود نیز شریعه گفته می‌شود و شریعت به معنای دین نیز از همین معنا گرفته شده است.⁵

واژه «شرعی» معمولاً در برابر «عرفی» به کار می‌رود و مراد احکامی است که به وسیله پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان حکم خداوند بیان گردیده است.⁶ گاهی مجازاً بر احکامی که فقهاء استفاده کرده‌اند نیز شرع گفته می‌شود.⁷

3. منصوص شرعی

منصوص شرعی، به مفهومی که در عنوان این رساله به کار رفته است، عبارت است از آن

1. یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج 22، ص: 394.

2. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 1، ص: 252.

3. همان.

4. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية، ج 3، ص: 1236.

5. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 3، ص: 262.

6. علی بن حسین شریف مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج 2، ص: 274.

7. سعدی ابو جیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، ص: 193.

دسته شیوه‌هایی که دلیل شرعی بر آن وجود دارد، اعم از این که دلیل از قرآن و سنت باشد یا با ادله لبی (مثل اجماع) ثابت شده باشد. البته غالباً شیوه‌های منصوص اعدام به وسیله قرآن یا سنت ثابت گردیده و از این جهت با معنای اخیر از واژه منصوص که به معنای قرآن و سنت بودن قرابت دارد.

گفتار دوم: تحول‌پذیری

تحول در لغت از «حول» گرفته شده است که این ریشه به معنای سال، فاصله شدن میان دو چیز و تغییر آمده است.¹ تحول فاقد معنای اصطلاحی است، یعنی در علم فقه، حقوق و اصول اصطلاح خاصی قلمداد نمی‌شود، جز این که در این رساله مراد از تحول‌پذیری، امکان تغییر روش‌های اجرای مجازات سالب حیات و گذر از شکلی است که در قرآن و سنت مقرر گردیده است.

گفتار سوم: مجازات سالب حیات

مجازات‌های سالب حیات در عداد مجازات‌های بدنی دسته بندی می‌شود و در مقابل مجازات‌های مالی، مجازات‌های سالب حق و مجازات‌های محدود کننده آزادی قرار دارد.² مجازات‌های سالب حیات به آن دسته از مجازات‌هایی اطلاق می‌شود که اجرای آن منجر به مرگ محکوم گردد؛ بنابراین، مجازاتی که نتیجه‌ی آن ازهاق روح باشد مجازات سالب حیات نامیده می‌شود.

گفتار چهارم: مفاهیم مرتبط

برخی از مفاهیمی که در این رساله به کار می‌رود هرچند جزء مفاهیم به‌کاررفته در عنوان

1. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج 3، ص: 298.

2. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج 3، ص 77.